

## مطالعه زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آستانگی در معماری مسکونی دوره پهلوی<sup>۱</sup>

فرزانه قاسمی\*: دانشجوی دکتری پژوهش هنر، پردیس بین‌المللی فارابی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

ghasemi.fzn@gmail.com

سید سعید سید احمدی زاویه: دانشیار، عضو هیئت‌علمی گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم عالی و مطالعات نظری هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران،

szavieh@art.ac.ir

آرزو منشی‌زاده: استادیار، عضو هیئت‌علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران،

a.monshizade@art.ac.ir

### چکیده

مسئله پژوهش حاضر تغییر مفهوم آستانگی در معماری دوره پهلوی است. آستانگی به‌عنوان مفهومی ناظر بر مرحله میانی فرایند گذار از موقعیتی به دیگری با دربرداشتن مفهوم انتقال، بنا به اصل برقراری سلسله‌مراتب عرصه‌ها میان درون بیرون در شکل‌گیری محدوده‌ها/مکان‌ها و کنش‌سکنی‌گزینی در آن‌ها به‌عنوان هدف اصلی معماری جایگاه اساسی دارد و بررسی عوامل و زمینه‌های آن در مطالعات انواع فضاها به‌خصوص فضاهای مسکونی که جایگاه سکونت خصوصی و درونی‌ترین عوالم بشری است، از ضروریات مطالعات فضا در هر دوره است. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تغییر آستانگی با توجه به مفهوم سکونت در معماری دوره پهلوی با تمرکز بر بناهای مسکونی تهران تعیین شده است. همچنین روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و متکی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل یافته‌ها بوده است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش شامل مجموعه زمینه‌های اجتماعی و عوامل کالبدی و غیر کالبدی مؤثر بر تغییر آستانگی و نمودهای آن در معماری دوره پهلوی بوده است. نتایج حاصل از بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد به‌دنبال آغاز تغییرات ساختاری در جامعه به ظهور نهادهای جدید، رشد و توسعه شهر، تغییر تلقی از سکونت، افزایش مهاجرت‌ها، تغییر طبقات اجتماعی، گرانی و کمبود زمین و مسکن همراه با گسترش بدون مدیریت شهر؛ زمینه‌هایی چون تأسیس شهرداری با اقداماتی چون تخریب دروازه‌ها، تعریض خیابان‌های قدیمی و خیابان‌کشی‌های جدید، تغییر شکل زمین و مرزبندی کاربری‌ها، صدور قوانین و تخصصی شدن معماری و تغییر شیوه آموزش آن، موجب تغییر رابطه درون و بیرون و بنا به آن تغییر سلسله‌مراتب تقرب به بنا و جانمایی آن، تغییر مفهوم فضای باز و نیمه‌باز، تغییر کاربری بام، بازشوها و نماها شدند که ابعاد و نمودهای آن در مواردی چون ظهور بناهای برون‌گرا در جداره خیابان‌ها، کاسته شدن از مراتب دسترسی و ورود به بنا و تقلیل آن به درگاه، کاهش تنوع در جانمایی بنا، ظهور پدیده اشرف و تأثیر آن در کاربرد انواع فضاها، تغییر روابط فضاهای داخلی با تعریف دسترسی‌های مستقیم و کم‌توجهی به عناصر و فضاهای واسط، کاستن از کیفیات بام به‌عنوان فضای میانی برای ماندن، بارز شدن نقش درها، پنجره‌ها و بالکن‌ها و نماها و کم‌توجهی به آن‌ها به‌مرور زمان قابل‌بررسی است.

واژه‌های کلیدی: آستانگی، سکونت، دوره پهلوی، مسکن

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از رساله دکتری فرزانه قاسمی در رشته پژوهش هنر با عنوان «مطالعه نقش آستانگی در معماری دوره پهلوی تهران بر مبنای مفهوم سکونت (مورد مطالعه: بناهای مسکونی)» با راهنمایی نویسنده دوم دکتر سید سعید سید احمدی زاویه و مشاوره نویسنده سوم دکتر آرزو منشی‌زاده است.

## مقدمه

مسئله پژوهش حاضر مربوط به مفهوم آستانگی به عنوان موقعیت میانی دارای ماهیت انتقال در فرایند گذار از موقعیت پیشین به دیگری است که تجربه آن تغییر وضعیت انسان در طول زندگی و آگاهی به آن را به همراه دارد. فضای آستانگی از طریق مؤلفه انتقال در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز ناظر بر دیالکتیک مؤلفه‌های سرگردانی و ماندن در طی فرایند برقراری رابطه پرمعنا با مکانی مفروض جهت احراز هویت و تعیین موقعیت جایگاهی بنیادی دارد. گستره آستانگی در این پژوهش بر مبنای روابط دیالکتیکی درون و بیرون (متناظر با تعیین موقعیت) و فرد و جامعه (متناظر با احراز هویت)، سلسله‌مراتب انواع فضاها از عرصه بیرونی شامل نماها و ورودی تا روابط انواع فضاهای بسته و باز و نیمه‌باز داخلی را به عنوان فضای بینابین و ضرورت وجود کیفیت انتقال در آن‌ها شامل می‌شود. در این راستا شناخت زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تغییر آستانگی، با توجه به نقش ساختار سلسله‌مراتبی آن مبتنی بر مؤلفه انتقال، در راستای تعریف انواع محدوده‌ها در محیط سکونت و روابط میان آن‌ها از ضروریات حوزه مطالعات فضا و سکونت به‌ویژه فضاهای مسکونی به‌عنوان درونی‌ترین جایگاه سکونت و عوامل شخصی در هر دوره است. در این پژوهش دوره پهلوی بنا به تغییرات ساختاری و چندگانه صورت‌گرفته در آن، به‌مثابه دوره گذار و انتقال در جامعه ایرانی و مؤثر در تغییر تلقی از سکونت و آستانگی در معماری در نظر گرفته شده است. هدف پژوهش در راستای مسئله آن، بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تغییر آستانگی و نمودهای آن در معماری دوره پهلوی با تمرکز بر بناهای مسکونی و با توجه به مفهوم سکونت تعیین شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و بنا به مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل یافته‌ها انجام‌گرفته است. پیشینه پژوهش شامل متون مربوط به آستانگی متمرکز بر مطالعه آستانگی به‌عنوان فضای شناختی در بردارنده مؤلفه تغییر و انتقال وضعیت انسان به لحاظ انسان‌شناسانه، مفهوم آستانه و چگونگی شکل‌گیری آن در معماری با توجه به مفهوم سکونت و ماهیت دیالکتیکی آن و پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص معماری و شهرسازی دوره پهلوی به‌عنوان دوره گذار و تحول با توجه به معماری بناهای مسکونی است. کلیت مقاله به‌لحاظ ساختار و محتوا پس از بررسی پیشینه و روش پژوهش، در بخش مبانی نظری به بررسی مفهوم آستانگی، جایگاه اساسی آن در امر سکونت و فرایند شکل‌گیری انواع فضاها و سپس مطالعه آستانگی در معماری بنا به اصل تعریف سلسله‌مراتبی عرصه‌ها جهت عینیت‌بخشی به مؤلفه انتقال به‌عنوان خصلت فضای آستانگی پرداخته است. در ادامه در بخش یافته‌های تحقیق زمینه‌های اجتماعی و عوامل کالبدی و غیر کالبدی مؤثر بر آستانگی و تغییر آن در شهر و معماری را مورد نظر قرار داده و به بررسی ابعاد و نمودهای تغییر آستانگی در معماری دوره پهلوی با تمرکز بر بناهای مسکونی آن دوره پرداخته است.

## ۱- پیشینه تحقیق

با مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه موضوعی تحقیق، دو دسته‌بندی قابل‌تصور است؛ بخش اول مربوط به پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه آستانگی و سکونت و بخش دوم مربوط به پژوهش‌های مرتبط با معماری و شهرسازی دوره پهلوی به‌ویژه در حوزه مسکن و سیر تحول آن است. جدول ۱ به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌ها در این دو دسته‌بندی اشاره می‌کند.

جدول ۱- بررسی اجمالی متون پیشینه (مأخذ: نگارندگان)

مشخصات پژوهش	محتوای پژوهش	روش پژوهش
بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی آن بر اساس ریشه‌شناسی واژه و آرای دانشمندان حوزه معماری (۱۳۹۸)، ایوب علی‌نایب مطلق، رضا شکوری، علیرضا عینی‌فر.	ریشه‌شناسی آستانگی؛ مفاهیم مرتبط و مراتب آن	استدلال منطقی
تبیین مفهوم آستانگی در برهم‌کنش درون و بیرون محدوده‌ها در معماری (۱۳۹۹)، ایوب علی‌نایب مطلق، رضا شکوری، علیرضا عینی‌فر.	مفهوم «گذار» و رویکردها به آن در رابطه درون و بیرون؛ انواع روابط درون و بیرون؛ نقش آستانگی در شکل‌گیری محدوده فضای آستانه‌ای در معماری؛ آستانه و گذار (۲۰۰۸)، پاتریک تروی زیمرن <sup>۱</sup>	توصیفی-تحلیلی
معماری آستانگی (۲۰۰۳)، سارا اسپرینگ رینینگ <sup>۲</sup> .	آستانگی و مدل‌های آن در معماری	
سرگردانی در سکونت (۲۰۰۸)، ربکا ولفورد <sup>۳</sup> .	مؤلفه‌های سازنده مفهوم سکونت، مفاهیم ضمنی و روابط آن-ها در امر سکونت	
سیر تحول معماری مسکن تهران در دوره پهلوی (۱۳۷۹)، بهروز جانی پور (جهان پور).	گونه‌های مختلف مسکن در دوران تحول [پهلوی] و زمینه-های شکل‌گیری آن‌ها	توصیفی-تحلیلی؛ مطالعات کتابخانه-ای و مشاهدات میدانی
بررسی ویژگی‌های معماری ورودی خانه‌های تهران (اواخر دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی اول) (۱۳۹۰)، محسن یزدیان.	بررسی مفهومی خانه و ورودی؛ مطالعه ورودی نمونه‌های از تک‌خانه‌های دوره اواخر قاجار و پهلوی اول در تهران	
از فروریختن باروها تا اندیشه شاهراه‌ها: پیشینه طرح‌های شهری و انگاره‌های شهر تهران از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۵ (۱۳۸۹)، سید محسن حبیبی، زهرا اهری، رشید امامی.	تحول انگاره‌ها و طرح‌های شهری تهران	توصیفی-تحلیلی

بر اساس مطالعات صورت‌گرفته پژوهش حاضر ضمن بهره‌مندی از متون مذکور در خصوص تعریف مفهوم آستانگی، مفهوم آستانه در معماری با توجه به جایگاه گذار در تعیین محدوده‌ها و تغییرات و تحولات معماری دوره پهلوی با تمرکز بر بناهای مسکونی؛ در خصوص موضوع و هدف بررسی آستانگی و تغییرات آن در معماری دوره پهلوی به‌ویژه معماری مسکونی، بر مبنای ماهیت کنش‌گزینی در مکان‌ها بنا به تجربه فضایی انتقال میان مجموعه‌ای سلسله‌مراتبی از عرصه‌ها جهت شناخت و آگاهی به موقعیت و هویت از آن‌ها متمایز و متفاوت است.

## ۲- روش تحقیق

پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای در حوزه نظریات مرتبط با آستانگی و سکونت و تغییر و تحول معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول و دوم با تمرکز بر بناهای مسکونی انجام شده است.

## ۳- مبانی نظری

### ۳-۱- مفهوم آستانگی

آستانگی تحت‌عنوان *Liminality* موقعیت بینابین و آغازین مربوط به موقعیت در-آستانه-بودن ناظر بر بودن همزمان دو سوی یک مرز یا مکان است (Cyril M, 2000, 1633). این موقعیت در زبان فارسی در بردارنده مفاهیم آغاز (انوری، ۱۳۸۱، ۹۹)، درگاه، ساحت، آغاز (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ۵۹-۵۸)، بینابین و بنابراین مرتبط با مرکز و مکان است (نورایی، ۲۰۱۳، ۴۴۴). در نظریات انسان‌شناسانه آستانگی موقعیت میانی در فرایند گذار ناظر بر جدایی از موقعیتی پیشین و رسیدن به موقعیتی جدید در زندگی است (Turner, 1969, 94). حضور در این فضا مرتبط با کنش شناخت و تغییر موقعیت و هویت خود در زندگی است (Thomassen, 2009, 14 & 16-17) (Spring Repenning, 2003, 11-13). بر این اساس فضای آستانه از طریق کیفیت انتقال با مفهوم مکان و کنش سکنی‌گزینی در آن ارتباط دارد. این رویکرد به سکونت، نزد نوربرگ‌شولتز قابل شناخت است.

### ۳-۲- جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت

امر سکونت به‌معنای کنش زندگی کردن در یک مکان (Della, 2008) بنا به آراء نوربرگ‌شولتز ناظر بر برقراری دیالکتیک ماندن و سرگردانی میان مراکز و راه‌ها برای برقراری رابطه پرمعنا با محیطی مفروض و احراز هویت و تعیین موقعیت از طریق آن است (Norberg-Schulz, 1985, 13)؛ بنابراین تعریف، کنش سکنی‌گزینی در فضایی انتقالی انجام می‌شود که حاصل خواست و تغییر موقعیت انسان از یک مکان به دیگری برای احراز هویت در زندگی است (Wolford, 2008, 4). این فضای انتقالی در نتیجه برقراری روابط دیالکتیکی میان درون و بیرون از طریق نفوذ بیرون به درون شکل گرفته (Norberg-Schulz, 1971, 25) و به‌عنوان بیرونی درونی‌شده، عامل تعریف و شکل‌گیری محدوده‌ها و مکان‌های سکونت است (علی‌نای مطلق و همکاران، ۱۳۹۹، ۴۰)؛ بنابراین جایگاه آستانگی با دربرداشتن کیفیت فضایی انتقال در فرایند خلق فضای سکونت به‌عنوان هدف اساسی معماری بنیادی است و آگاهی به چگونگی وضعیت آن در هر دوره و مکان، مشخص‌کننده چگونگی تعریف و تلقی از سکونت و نحوه عینیت‌بخشی به آن در قالب فضای معماری است.

### ۳-۳- آستانگی در معماری

باتوجه به نقش مؤلفه انتقال به‌عنوان شاخصه فضای آستانگی (Smith, 2011, 1) و جایگاه آستانگی به‌عنوان فضایی لایه‌لایه‌ای و عرصه‌بندی‌شده (Troy Zimmerman, 2008, 22) در تغییر میان موقعیت‌ها در امر سکنی‌گزینی و شکل‌گیری فضاهای سکونت، مشخص می‌شود آستانگی در معماری در درجه اول وابسته به شکل‌گیری فضایی سلسله‌مراتبی و جهت‌دار (علی‌نای مطلق و همکاران، ۱۳۹۸، ۵۵، ۵۰) بنا به برقراری روابط دیالکتیکی میان درون و بیرون و عینیت‌بخشی به روابط هویتی فرد-جمع، جهت شکل‌گیری موقعیت گذار از طریق انواع عناصر و فضاهای بینابین است.

## ۴- یافته‌های تحقیق

### ۴-۱- زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تحولات معماری دوره پهلوی

با آغاز دوره پهلوی جامعه ایرانی که پیش از این طالب تغییر و پیشرفت بود (رجبی، ۱۳۵۵، ۱۱۰)، در معرض اراده پرشتاب قدرت متمرکز نظامی و اداری جدیدی با هدف توسعه و پیشرفت قرار گرفت. این رویکرد جامعه را در معرض پدیده‌های جدید فرهنگی-اجتماعی و نهادهای اداری و نظامی قرارداد و شهر را با ساختار جدیدش جایگاه این عرضه کرد و به‌عنوان دوره‌ای انتقالی که مشخصه آن ظهور پدیده‌ها و رخدادها اثرگذار است (Szakolczai, 2009, 145)، شناخته شد. در این دوره با ظهور طبقه متوسط جدید (رجبی، ۱۳۵۵، ۱۰۹) شیوه زندگی جدید متناسب با شهر در حال توسعه بنا به تعریف قدرت حاکم به وجود آمد (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۱۸۴-۱۸۵). در این راستا تهران به‌عنوان پایتخت تحول و بستر امکانات جدید مقصد مهاجرت‌ها قرار گرفت و جمعیت آن رو به فزونی رفت (آبراهامیان، ۱۳۹۴، ۱۶۹-۱۴۱، ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۰۵). در دوره دوم تحت تأثیر جنگ، به‌دلیل امکانات بیش‌تر و سامان‌دهی بهتر امور تهران همچنان در معرض مهاجرت و افزایش جمعیت است که با مهاجرت زمین‌داران، روستاییان دارای زمین‌های ناکافی برای کشاورزی و کارگران روزمزد پس از اصلاحات ارضی تشدید می‌شود. تغییر ساختار طبقاتی شهر همراه با کمبود و گرانی مسکن و زمین (طالبی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۴) با ظهور تقابل‌های اجتماعی تشدید شده در سیمای شهر و معماری (حبیبی، ۱۳۹۰، ۱۸۷) دوگانگی شکل شهر را در بخش‌های بالا و پایین شدت می‌بخشد. در این دوره به دنبال بحران گرانی و کمبود مسکن و زمین، شکل‌گیری گونه‌های جدیدی از مسکن و محلات مسکونی در قالب مسکن انبوه و ارزان‌قیمت در حاشیه شهر (ساختمان‌های بانک رهنی، ۱۳۵۰، ۱۱۱) با هدف «سرعت در اجرا» و «ارزان تمام شدن کار» مطرح است که عمدتاً ضمن تقلیل مسکن به سرپناه (جانی پور (جهان پور)، ۱۳۷۹، ۴۲۶-۴۲۱، ۱۵۴)، در محدوده‌های جداافتاده از بافت شهر شکل گرفته و نمود دوگانگی‌های اجتماعی میان ساکنان شهر هستند (حبیبی، ۱۳۹۰، ۲۱۰، ۱۸۷). این رویکرد در شکل‌گیری فضاهای مسکونی بر روابط انواع فضاهای بسته و باز و نیمه‌باز و تقلیل سلسله‌مراتب آن‌ها از عرصه بیرونی تا داخلی و نسبت کلیت بنا با محیط پیرامونی و دیگر بخش‌های شهر تأثیر گذاشت. در واقع در این دوره همزمان با افزایش درآمدهای نفتی در زمینه اقتصادی منحصر به قشری خاص (آبراهامیان، ۱۳۹۴، ۲۵۷-۲۳۹) تهران بدون مدیریت و برنامه خارج از مرزهای تعریف‌شده رو به گسترش است (حبیبی، ۱۳۹۰، ۲۰۴). علاوه‌براین در این دوره تغییر شیوه آموزش معماری (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۶) نیز مطرح است که موجب تغییر رویکرد به نحوه شکل‌گیری فضا شده است. مجموعه زمینه‌های مذکور، علاوه‌بر تأسیس بلدی و اقدامات آن شامل مواردی چون تخریب دروازه‌ها، خیابان‌کشی‌های جدید و تعریض خیابان‌های قدیمی (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۱۸۷-۱۸۶)، صدور قوانین و تخصصی شدن معماری (کیانی، ۱۳۸۶، ۱۹۸، ۱۹۳)؛ با تغییر سلسله‌مراتب و روابط درون و بیرون موجب تغییر آستانگی از دوره اول تا دوم شدند.

### ۴-۲- تحلیل یافته‌ها

#### ۴-۲-۱- تأسیس بلدی

از میان نهادهای ایجاد شده در آغاز دوره پهلوی، شهرداری به‌عنوان مؤثرترین نهاد در حوزه معماری و شهرداری با اقدامات خود زمینه‌ساز تغییر آستانگی در کالبد محیط شد. از جمله مهم‌ترین اقدامات صورت‌گرفته توسط این نهاد، تخریب دروازه‌ها، خیابان‌کشی‌های جدید و تعریض خیابان‌های قدیمی است (بهزادفر، ۱۳۹۰، ۱۰۰). به‌دنبال این اقدام چهره شهر با بناهای جدید در جداره خیابان‌های جدیدی که (کیانی، ۱۳۸۶، ۱۹۱-۱۸۹) همراه میدان‌ها در مفهوم جدید خود چرخشی تازه از درون به بیرون را آشکار می‌کردند، تغییر یافت. این امر به‌همراه تغییر شکل و نحوه قطعه‌بندی زمین بنا به خیابان‌کشی‌های شطرنجی، سلسله‌مراتب پیشین را تحت تأثیر قرار داده (رجبی، ۱۳۵۵، ۷۰، یزدیان، ۱۳۹۰، ۱۵۴) و روابط درون و بیرون را از رابطه بنا و همجواری تا جزء‌فضاهای داخلی تغییر داد. از سوی دیگر مرزبندی کاربری‌ها نیز تغییر کرد (کیانی، ۱۳۸۶، ۲۳۷-۲۳۵، ۱۲۲، فلامکی، ۱۳۸۹، ۱۲۱) و با افزایش سرانه‌های معابر و مالکیت و نظارت انحصاری دولت بر آن‌ها مشاعات و چشم‌انداز شهر گسترش یافت. این امر در دید و چشم‌انداز بناها و تعریف رابطه آن‌ها با محیط مؤثر بود. از سوی دیگر قوانین شهرداری همچون صدور پروانه و انجام امور تحت نظارت مهندس موجب تخصصی شدن حیطه معماری فارغ از خواست و سلیقه مردم شد (جانی پور، ۱۳۷۹، ۲۳۱، کیانی، ۱۳۸۶، ۱۹۳-۱۹۱) و آن را در اختیار متخصصان خارجی، تحصیل‌کردگان ایرانی در غرب (معرفت، ۱۳۷۵، ۱۱۰) و در دوره دوم فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران قرار داد و جریان معماری را از مجموعه‌ای از سبک‌های «معماری اواخر قاجار، مدرنیسم و سبک نئوکلاسیک باستان‌گرا» در دوره اول به سمت شکل‌گیری نوعی معماری شبه‌مدرن متأثر از اندیشه‌های غربی در دهه چهارم و پنجم سوق داد (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۴۳). مجموعه عوامل مذکور بنا به تحلیلی که در ادامه می‌آید، با تغییر سلسله‌مراتب و فضای انتقالی میان درون و بیرون موجب تغییر آستانگی در معماری به‌ویژه بناهای مسکونی شدند.

## ۲-۲-۴- تغییر رابطه درون و بیرون

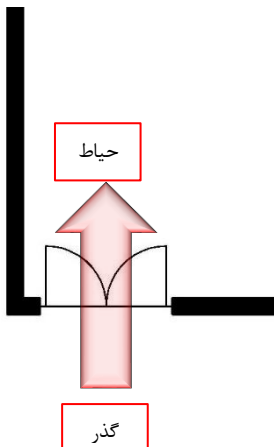
### ۲-۲-۴-۱- تغییر سلسله‌مراتب تقرب به بنا

قرارگیری بنا به‌صورت بلاواسطه در کنار خیابان‌ها (تصویر ۱ و ۲)، به‌معنای تغییر روابطی بود که پیش از این از طریق تعریف سلسله‌مراتب درونی در حوزه بیرونی در ساختار فضایی بن‌بست (نیمه‌خصوصی)، کوچه و واشدگاه (نیمه‌عمومی)، راسته محله و مرکز محله (عمومی، نیمه عمومی) و راسته اصلی یا بازارها (عمومی) (غربی، ۱۳۷۴، ۲۰۷-۲۰۹) در پی شکل‌گیری فضای انتقال جهت تبدیل عبور و مرور در کالبد محیط به گذاری معنادار بنا به برقراری دیالکتیک‌های فضایی میان درون و بیرون هر عرصه است. در امتداد این تغییر، مراتب ورودی به هر بنا نیز عمدتاً با تقلیل آن به درگاه و حذف جلوخان تغییر یافته و مواج‌های یکباره با فضای داخل بدون شرایط درک حضور در درون اتفاق می‌افتد. در فضای ورودی داخلی نیز عمدتاً بنا به تعریف دسترسی‌های مستقیم (یزدیان، ۱۳۹۰، ۱۴۹) و کم‌توجهی به عناصر و فضاهای واسط، اتاق‌ها از طریق درگاه‌های مشابه در اطراف فضای ورودی به‌عنوان محل تجمع درها قرار گرفته‌اند. این مسئله موجب ناخوانایی در لحظه ورود به داخل<sup>۴</sup> و بنا به تقلیل رابطه فضای تقسیم با فضاهای مجاور موجب غلبه یکبارگی در لحظه ورود به آن‌ها شده است (تصویر ۳).

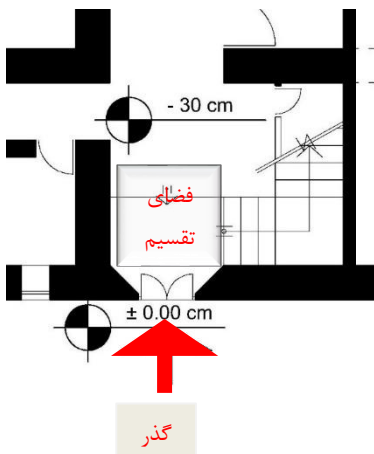
### ۲-۲-۴-۲- جانمایی بنا و تغییر مفهوم فضای باز

به‌دنبال خیابان‌کشی‌های جدید، با تغییر شکل و نحوه قطعه‌بندی زمین و صدور قانون جانمایی بنا در زمین که در برهه اول (۱۳۲۱ تا اواخر ۱۳۳۰) ۶۰٪ بنا در شمال زمین و ۴۰٪ حیاط در جنوب به‌علاوه یک طبقه ساختمان و از دهه چهارم بدون اجازه ساخت بنا در جنوب بود، از تنوع جانمایی بنا در زمین کاسته شد و محلاتی یکدست به وجود آمد (جانی پور، ۱۳۷۹، ۴۳۰-۴۲۹) این امر نحوه رابطه درون با بیرون به‌خصوص سلسله‌مراتب میان آن‌ها را تغییر داد. به‌این‌صورت که تا پیش از این مسکن در معماری ایرانی عمدتاً گشوده به حیاط مرکزی بود و این تعداد حیاط‌ها و چگونگی چینش فضاها در اطراف آن‌ها بود که محدوده درون و بیرون فضای سکونت را شکل می‌داد. به‌این‌ترتیب که رابطه مراتبی از درون با درجاتی از بیرون از طریق سلسله‌مراتب فضاهای واسطی چون مسیرهای دسترسی و ورودی از طریق حیاط، دالان، هشتی، درگاه، جلوخان که حریم موردنیاز (امنیت و آرامش) را از طریق تعریف عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی برای تنظیم نفوذپذیری بصری و کالبدی در میانه درون و بیرون تعریف می‌کرده‌اند، برقرار می‌شده است (کاکایی و مضطرزاده، ۱۴۰۰، ۱۸۲-۱۸۱)؛ درحالی‌که بنا به نحوه جانمایی بنا، از تعدد فضاهای میانی از ورودی به بنا تا ورودی به فضاهای داخلی کاسته شده و سلسله‌مراتب آن تغییر یافته است (تصویر ۴). این امر مسئله تأمین فضای باز برای بهره‌مندی مطلوب از عوامل طبیعی (سلطان‌زاده، ۱۳۹۷، ۱۲۵-۱۲۴) و حضور فعالانه در حیاط‌ها را به دلیل مسئله اشراق و نبود حریم در رابطه با هم‌جواری‌ها، پارکینگ و دسترسی سواره و پیاده (حائری، ۱۳۸۸، ۱۵۰) مگر در مواردی خاص همچون زمین‌های بزرگ و محلات با تراکم کم با مشکل اساسی روبرو می‌کرد. علاوه‌براین که فضاهای نیمه‌باز را نیز تحت تأثیر قرار داد.

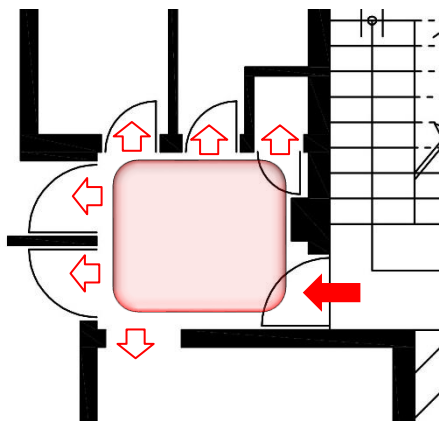
### ۲-۲-۴-۳- تغییر مفهوم فضای نیمه‌باز



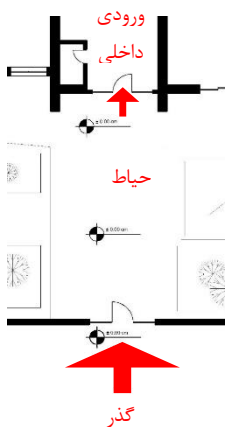
تصویر ۱- تغییر رابطه حیاط و گذر (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲- تغییر رابطه فضاهای بسته داخلی و گذر (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۳- فضای تقسیم ورودی به فضاهای داخلی و روابط آن با فضاهای مجاور (مأخذ: نگارندگان)



علاوه بر حیاط، به‌عنوان مهم‌ترین فضای باز خصوصی در معماری ایرانی، ایوان‌ها نیز مورد تغییر واقع شدند. علاوه‌براین که در وهله اول بنا به ضوابط شهرداری با تراس‌هایی در نماهای بیرونی، بالای ورودی و همراه با دیگر پنجره‌های نما مواجهیم که حریم بیرون و درون را تغییر داده بودند (کیانی، ۱۳۸۶، ۲۵۵ و ۲۴۲)، در داخل بنا نیز به اقتضای وسعت زمین و توان مالی ساکنان، امکان مواجه با ایوان‌هایی در طبقه همکف دارای قابلیت نشیمن و میلمان و در طبقات بالاتر نیز تراس‌هایی برای نشیمن و بهره‌مندی از نور و چشم‌انداز وجود دارد (جانی پور، ۱۳۷۹، ۴۵۲، ۴۱۹). با گذر زمان و از دهه چهارم شمسی به بعد این فضاها مورد غفلت قرار گرفته و همزمان با کاهش قابلیت کاربردی حیاط همجوار با خیابان برای انسان پیاده در جهت تسهیل عبور و مرور اتومبیل، از سازمان‌دهی فضایی خانه حذف شدند و به‌ندرت مورد توجه قرار گرفتند. در واقع ارزش بنا محدود به فضاهای بسته‌ای بود که میان دیوارها محصور شده و عمدتاً جز در فضاهای مرتبط نماهای شمالی یا جنوبی از طریق پنجره‌ها امکان ارتباط مطلوب با بیرون را ندارند. به این مسئله اصلی باید این نکته را نیز اضافه کرد که این فضاهای معدود نیز عمدتاً به دلیل کوچک بودن، اشراف داشتن و همچنین نبود چشم‌انداز جالب توجه کارایی اصلی خود را از دست داده و به‌خصوص در صورت فقدان فضای پشتیبان کافی برای مقاصد چون انبار کردن وسایل و چیزها استفاده می‌شوند. همچنین در مواردی که وسعت فضای داخلی پاسخگوی نیاز ساکنان نبوده، این تراس‌ها با وجود ممنوعیت از طرف شهرداری به فضای جانبی خود الحاق شده‌اند (حائری، ۱۳۸۸، ۱۸۵، ۱۸۰، ۱۴۴).

#### ۴-۲-۲-۴- تغییر کاربری بام

تصویر ۴- تغییر سلسله‌مراتب

ورودی به بنا تا ورودی فضاهای بسته داخلی (مأخذ: نگارندگان).

همزمان با این تغییرات به‌مرور بام‌ها نیز نقش تأثیرگذار خود را در سازمان فضایی خانه‌ها از دست دادند؛ درحالی‌که پیش از این محلی برای نشستن، خوابیدن و خوردن در مرز میان زمین و آسمان محسوب می‌شدند و به‌همین دلیل امکان برقراری روابط اجتماعی و تماشا و مواجه با بیرون را از ارتفاعی امن و مسلط بر چشم‌اندازی وسیع بدون خروج فیزیکی از خانه موجب می‌شدند (فلاح فر، ۱۳۸۴، ۴۶۶-۴۶۴)، با غفلت طراحی از توجه به این نیاز بام‌ها به محل‌هایی دارای اشراف تبدیل شدند که به‌دلیل بی‌توجهی به جایگاه امکانات و نیازهای پیش رو و فضاهای پشتیبان عمدتاً به محل تجمع ناسامان کولرها، دودکش‌ها و وسایل بلااستفاده تبدیل شده‌اند (حائری، ۱۳۸۸، ۲۰۴). با افزایش طبقات ساختمان حس کمبود ناشی از این بی‌توجهی به فقدان تبدیل می‌شود، زیرا اهالی آن طبقات علاوه بر آسمان امکان ارتباط مطلوب با زمین را نیز از دست داده‌اند و فضای قابل‌استفاده جایگزینی به دست نیاورده‌اند.

#### ۴-۲-۲-۵- تغییر بازشوها

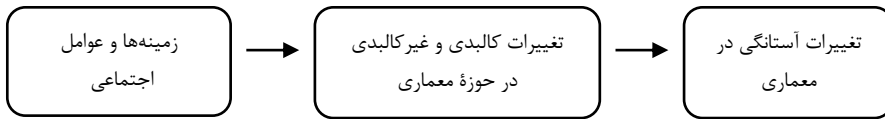
مسئله دیگر در خصوص چرخش بناها از درون به بیرون تحت رابطه جدید بنا و خیابان و جایگاه بنا در زمین، به نقش بازشوها بازمی‌گردد. در آغاز دوره پهلوی، پنجره‌ها به معابر گشوده شد و بنابراین علاوه بر وجه اجتماعی یافتن خود، به معابر و خیابان‌ها نیز بعد تازه‌ای بخشیدند و در کنار درها «مهم‌ترین عناصر مفصلی» میان بنا و خارج آن (بهزادفر، ۱۳۹۹، ۲۳) و معرف شخصیت معماری و ساکنان قلمداد می‌شدند. به‌مرور و با وجود مشکلات اقتصادی جامعه و نیاز روزافزون به ساخت مسکن در مدت‌زمان کم، شاهد شکاف‌های آهنی و آلومینیومی تحت حفاظت نرده‌های آهنی هستیم. پس از ربع قرن با روی آوردن دوباره به روکاری با آجر، پنجره‌ها ابعاد کوچک‌تر و اندام چوبین خود را به دست آوردند؛ درحالی‌که قاب‌های آهنی مذکور با نیم‌دایره‌هایی مشتمل بر نقوش سنتی و نیمه‌سنتی در بالای‌شان، سبک پنجره‌های بناهای مسکونی قشر پایین جامعه را تشکیل می‌دادند (رجبی، ۱۳۵۵، ۱۳۰، ۱۱۱-۱۱۲). در دوران معطوف به معماری مدرن، سطوح بزرگ شیشه‌ای جای ابعاد کوچک آن‌ها در قاب‌های چوبی ارسی‌ها را گرفتند (معرفت، ۱۳۷۵، ۱۳۱) که تأثیر آن در کنار توجه به مسئله اشراف حاصل از نحوه جانمایی بنا در زمین روشن می‌شود؛ در واقع در این موارد به‌دلیل عدم تعریف فضای انتقال در میانه درون خصوصی با بیرون عموم و فقدان کیفیت دروننگاهی کاربران مجبور به کاربرد پرده‌های ضخیم در بیش‌تر ساعات شبانه‌روز می‌شوند (حائری، ۱۳۸۸، ۱۸۴، ۱۶۵، ۱۸۱). در تقابل با خواست گشودگی فضا در معماری مدرن (حکیم، ۱۳۸۱، ۶۷). حال قوانین ناندریسیده در خصوص جانمایی بنا در زمین، همزمان با از بین رفتن کیفی فضاهایی چون حیاط، ایوان و تراس، پنجره‌ها را نیز در صرفاً دو نما با انسداد روبه‌رو کرده‌اند (یاوری، ۱۳۷۵، ۲۵۲).

#### ۴-۲-۲-۷- تغییر نما

نماها نیز به‌عنوان فضاهای میانه درون و بیرون و جایگاه روابط فرد و جمع، در آغاز در جوار معبر با تأکید بر ورودی‌های بارز تعریف‌کننده خط آسمان، دربرگیرنده درها و پنجره‌های چوبی دارای حجم، تزئینات و ریتم‌هایی که عمق و تنوع آن‌ها کیفیت‌های فضایی مطلوبی از جمله بازی نور و سایه بر محیط را ایجاد می‌کنند، سامان یافته بودند (حائری، ۱۳۷۴، ۳۱۳). به‌تدریج با نزدیک شدن به اواخر دهه دوم و با ظهور خانه‌های مدرن، نماها با سادگی بیشتر و محدود شده به تزئینات کاربردی (کیانی، ۱۳۸۶، ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۴۴، مزینی، ۱۳۸۶، ۲۰)، بستر طره‌ها و حجم‌های کنسول شده، سنگ، آجر، اندود و پیش‌آمدگی‌ها و لبه‌های سیمانی بالای پنجره‌ها، گوشه‌های مدور، پنجره‌های دایره‌ای، سراسری افقی و بلند در پله‌های بناهای چندطبقه، کاربرد شیشه در سطوح بزرگ، تراس‌ها، قاب‌های فلزی یا بتنی و در دهه‌های چهارم و پنجم نمایش سازه و مصالح آن با رویکرد پرهیز از تقارن محض هستند. در این دوره درحالی‌که در بناهای مسکونی طبقه مرفه نما همواره مورد توجه است؛ با رسیدن به اواخر آن و بروز مشکلات معیشتی و سوداگری سرمایه‌داران و فقدان ضوابط، نمای مسکن به‌مثابه کالا عمدتاً بی‌توجه به اصول زیباشناختی و حتی در مواردی به اقلیم است. ظهور برج‌ها و شهرک‌های مسکونی نیز بروز نماهایی عمدتاً یکدست و فاقد تنوع و بعضاً بی‌اعتنا به مفهوم سکونت خصوصی است (جانی پور، ۱۳۷۹، ۴۶۵، ۴۳۵-۴۴۲، ۱۳۵، ۱۱۵).

#### ۴-۳- جمع‌بندی

بنا به تعریف آستانگی به‌عنوان موقعیت میانی در فرایند گذار و تغییر موقعیت در زندگی که بر مبنای مؤلفه انتقال و رابطه آن با مفهوم دیالکتیکی سکونت امکان شناخت هویت و موقعیت انسان را فراهم می‌آورد و با ایجاد فضای انتقال میان محدوده‌ها از طریق فرایندهای دیالکتیکی درون و بیرون در رابطه میان فرد و جمع در شکل‌گیری مکان‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند، چهارچوب نظری برای بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آستانگی در معماری و شهرسازی دوره پهلوی با تمرکز بر بناهای



نمودار ۱- عوامل مؤثر بر تغییرات آستانگی در معماری دوره پهلوی (مأخذ: نگارندگان)

مسکونی به‌عنوان دوره گذار و انتقالی در جامعه ایرانی فراهم شد. در این راستا مجموعه‌ای از زمینه‌ها بنا به جدول ۲ با تأثیرگذاری بر معماری و شهرسازی از طریق زمینه‌ها و عواملی که در جدول ۳ بررسی شده است، موجب تغییر آستانگی در معماری دوره پهلوی به‌ویژه بناهای مسکونی شدند (نمودار ۱).

جدول ۲- زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تغییر آستانگی در تهران دوره پهلوی (مأخذ: نگارندگان)

پیامدها	زمینه‌ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>تغییر ساختار سیاسی-نظامی؛ اقتصادی؛ اجتماعی؛ فرهنگی و مذهبی؛ حقوقی و اداری و آموزشی جامعه</li> <li>ظهور نهادهای جدید</li> <li>رشد امکانات رفاهی و اقتصادی شهر و افزایش مهاجرت به تهران</li> <li>رشد طبقه روشنفکر</li> <li>تغییر سلیقه و شیوه زندگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تمرکز قدرت سیاسی</li> <li>اراده قدرت مرکزی به ایجاد شکل جدیدی از دیوان-سالاری و سازمان نظامی</li> <li>رویکرد قدرت حاکم به تغییر نگرش و شیوه زندگی مردم</li> <li>بر مبنای تعریف موردنظر خود از پیشرفت و تجدد</li> <li>تمایل و خواست طبقه روشنفکر به تغییر و پیشرفت</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>افزایش مهاجرت‌ها و جمعیت</li> <li>کاهش قدرت تولیدی روستا و شروع دور جدید مهاجرت‌ها</li> <li>پدیده نوکسگی</li> <li>رشد طبقه متوسط</li> <li>رشد طبقه کارگر</li> <li>مشکلات اقتصادی، کمبود و گرانی مسکن و زمین</li> <li>افزایش تضاد طبقاتی و مصرف‌گرایی</li> <li>تقسیم چهره شهر به دو قسمت بالا و پایین</li> <li>گسترش شهر بدون برنامه و مدیریت</li> <li>ظهور مفاهیم جدید و غربی در معماری و تغییر رویکرد به روابط فضاها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>جنگ؛ تداوم مشکلات اقتصادی و افزایش جمعیت</li> <li>افزایش نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی پس از کودتای ۱۳۳۲</li> <li>انقلاب سفید و اصلاحات ارضی</li> <li>افزایش درآمد‌های نفتی</li> <li>تغییر شیوه آموزش معماری</li> </ul>

جدول ۳- زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تغییر آستانگی و نمودهای آن در معماری. (مأخذ: نگارندگان)

زمینه‌ها	عوامل	ابعاد و نمودهای تغییر آستانگی در معماری به‌ویژه بناهای مسکونی
<ul style="list-style-type: none"> <li>تأسیس بلدی، اقدامات و پیامدهای آن‌ها:</li> <li>-تخریب دروازه‌ها</li> <li>-تعریض خیابان‌های قدیمی و خیابان‌کشی‌های جدید</li> <li>-تغییر شکل زمین</li> <li>-افزایش سرانه معابر</li> <li>-تغییر مرزبندی کاربری‌ها</li> <li>-قوانین جدید ساخت‌وساز و تخصصی شدن معماری</li> <li>تغییر شیوه آموزش معماری و ظهور مفاهیم جدید در خصوص روابط فضایی</li> <li>کمبود و گرانی مسکن و زمین</li> <li>ظهور تقابل‌های اجتماعی در سیمای معماری و شهر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تغییر رابطه درون و بیرون:</li> <li>- تغییر سلسله‌مراتب تقرب به بنا</li> <li>-جانمایی بنا و تغییر مفهوم فضای باز</li> <li>-تغییر مفهوم فضای نیمه‌باز</li> <li>-تغییر کاربری بام</li> <li>-تغییر بازشوها</li> <li>-تغییر نما</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>-تغییر مفهوم میدان و خیابان ظهور بناهای برون‌گرا در جداریه آن‌ها</li> <li>-تغییر مراتب دسترسی و ورود به بنا و فضاها داخلی و تقلیل آن به درگاه</li> <li>-کاهش تنوع در جانمایی بنا</li> <li>-ظهور پدیده اشرف و ایجاد محدودیت در کاربرد انواع فضاها</li> <li>-تغییر نقش بام به‌عنوان فضای میانه و کاستن از کیفیات آن</li> <li>-بارز شدن نقش درها، پنجره‌ها و بالکن‌ها و به‌طور کلی نماها در آغاز و کم‌توجهی به آن‌ها به‌مرورزمان</li> </ul>

### نتیجه‌گیری

با توجه به مسئله و هدف مقاله حاضر، نتایج حاصله پس از بررسی موضوعات مربوط به زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تغییر آستانگی در معماری و شهرسازی دوره پهلوی بنا به جایگاه آستانگی و مؤلفه انتقال در امر سکونت و ضرورت شکل‌گیری سلسله‌مراتبی انواع فضاها در معماری نشان می‌دهد بنا به زمینه‌هایی چون:

- تأسیس شهرداری و اقدامات آن به‌عنوان نهاد مرکزی قانونی اصلی مجری برنامه‌های عمرانی در تهران به‌عنوان الگوی سایر شهرها از جمله:
  - تخریب دروازه‌ها
  - تعریض خیابان‌های قدیمی و خیابان‌کشی‌های جدید
  - تغییر شکل زمین بنا به قطعه‌بندی جدید در امتداد خیابان‌های شمالی-جنوبی و شرقی-غربی
  - افزایش سرانه معابر تحت مالکیت و نظارت انحصاری دولت
  - تغییر مرزبندی کاربری‌ها در بافت شهری

- قوانین جدید ساخت‌وساز (نما؛ پروانه ساختمان و غیره)
  - تخصصی شدن معماری و کمرنگ شدن نقش (مشارکت، نیازها و سلاقی مبتنی بر شیوه زندگی) مردم در چگونگی ساخت‌وساز بنا به ظهور قوانین و هدایت پروژه‌های بزرگ به دست معماران خارجی و ایرانی تحصیل کرده غرب و ایران
  - تغییر شیوه آموزش معماری و ظهور گرایش‌ها و تعاریف شبه‌مدرن از نحوه ارتباط درون و بیرون انواع فضاها
  - کمبود و گرانی مسکن و زمین و سوداگری در این موارد به‌مثابه کالا
  - ظهور تقابل‌های اجتماعی در سیمای معماری و شهر از جمله در ساخت مسکن دولتی انبوه
- که بسترساز تغییر آستانگی در معماری و شهرسازی دوره پهلوی شدند، مجموعه‌ای از عوامل بنا به مسئله تغییر رابطه درون و بیرون باتوجه به اصل سلسله‌مراتب در تعریف فضای آستانگی دارای ماهیت انتقال شامل:

- تغییر سلسله‌مراتب تقرب به بنا و فضاهای داخلی
- جانمایی بنا و تغییر مفهوم فضای باز
- تغییر مفهوم فضای نیمه‌باز
- تغییر کاربری بام
- تغییر بازشوها
- تغییر نما

تغییر آستانگی در معماری بناهای مسکونی دوره پهلوی را موجب شده که ابعاد مختلف و نمودهای آن بنا به دگرگونی روابط دیالکتیکی درون و بیرون و فرد و جمع در فضاهای سکونت در دوره پهلوی شامل موارد زیر است:

- تغییر مفهوم میدان و خیابان ظهور بناهای برون‌گرا در جداره آن‌ها
- تغییر مراتب دسترسی و ورود به بنا و فضاهای داخلی با تقلیل آن به درگاه میانه عرصه عمومی بیرون و خصوصی درون
- کاهش تنوع در جانمایی بنا در زمین به‌موجب قانون ۶۰ درصد ساخت در شمال و ۴۰ درصد حیاط در جنوب زمین؛ ظهور پدیده اشرف و ایجاد محدودیت در کاربرد فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته
- تغییر نقش بام و کاستن از کیفیات آن به‌عنوان فضایی برای ماندن با عملکردهایی فراتر از محل تجمع تأسیسات سرمایشی و انبار
- بارز شدن نقش درها، پنجره‌ها و بالکن‌ها و به‌طور کلی نماها با تأکید بر ورودی به‌عنوان فضای بینابین در ارتباط درون و بیرون در آغاز و کم‌توجهی به آن‌ها به‌مرورزمان.

به‌این ترتیب مجموعه زمینه‌ها و عوامل ذکر شده، موجب تغییر آستانگی در معماری و به‌طور ویژه بناهای مسکونی شدند.

## پی‌نوشت‌ها

<sup>1</sup> Troy Zimmerman, Patrick

<sup>2</sup> Spring Repenning, Sara

<sup>3</sup> Wolford, Rebecca. L

<sup>۴</sup> ادامه یافتن این روند در دوران بعدی تحت‌تأثیر تعلق از مسکن به‌مثابه کالا، عمدتاً موجب ظهور فضاهایی درهم شده عملکردهای ورودی، نشیمن و پذیرایی را بدون مرزهای تعریف شده توسط عناصر و فضاهای بینابین در بر می‌گرفت (حائری، ۱۳۸۸، ۱۸۳، ۱۶۵).

## مراجع

- ۱- آبراهامیان، پرواند. ۱۳۹۴. تاریخ ایران مدرن. تهران: نی.
- ۲- ابراهیمی، غلامرضا، سلطان‌زاده، حسین و میر شاهزاده، شروین. ۱۳۹۶. تأثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی اول، شهر همدان. مدیریت شهری ۱۶(۴۷). ۵۰۵-۵۲۲.
- ۳- انوری، حسن. ۱۳۸۶. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- ۴- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۸. معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تدوین علیرضا سید احمدیان و حمید خدا پناهی. تهران: هنر معماری قرن.
- ۵- بهزادفر، مصطفی. ۱۳۹۰. هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران). تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر.
- ۶- بهزادفر، مصطفی. ۱۳۹۹. اصول طراحی دالان‌های دروازه‌ای شهر. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۷- پاپلی یزدی، محمدحسین. ۱۳۷۵. نام‌گذاری کوچه‌ها و خیابان‌ها در تهران دیروز و امروز در تهران پایتخت دویست‌ساله (مجموعه مقالات) تألیف شهریار عدل و برنار اورکاد. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، سید احمد سیدی و فاطمه وثوقی خزائی. تدوین ناهید فروغان و فرزانه طاهری. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- ۸- جانی پور (جهان پور)، بهروز. ۱۳۷۹. سیر تحول معماری مسکن تهران در دوره پهلوی. رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- ۹- حائری، محمدرضا. ۱۳۷۴. ارزیابی معیارها و ضوابط معماری در تهران در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، بم. تدوین دبیرخانه کنگره و مدیریت انتشارات و تولیدات فرهنگی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. جلد ۱: ۲.

- ۱۰- حائری، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه. تدوین شبنم السادات اسماعیلی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۱۱- حبیبی، محسن. ۱۳۹۳. از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- حبیبی، سید محسن، اهری، زهرا و امامی، رشید. ۱۳۸۹. از فروریختن باروها تا اندیشه‌ی شاهراه‌ها: پیشینه‌ی طرح‌های شهری و انگاره‌های شهر تهران از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۵. صّفه ۲۰ (۵۰). ۸۵-۱۰۲.
- ۱۳- محمد. ۱۳۹۳. فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۴- حکیم، نگار. ۱۳۸۱. تحول معماری مسکن ایرانی در دهه‌های نخست قرن. معمار ۲ (۱۷). ۶۵-۶۹.
- ۱۵- جیبی، پرویز. ۱۳۵۵. معماری ایران در عصر پهلوی. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- ۱۶- ساختمان‌های بانک رهنی. ۱۳۵۰. هنر و معماری ۳ (۱۰ و ۱۱). ۱۰۹-۱۲۴.
- ۱۷- سلطان‌زاده، حسین. «خانه» در فرهنگ ایرانی (مفاهیم و بعضی از کاربردها). ۱۳۹۷. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ۱۸- طالبی، حامد، حجت، عیسی و فرزبان، محمد. ۱۳۹۳. بررسی نقش حکومت، مردم و معماران در پیدایش کوی‌های مسکونی کوتاه مرتبه تهران در دوره پهلوی دوم. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۹ (۱). ۲۳-۳۲.
- ۱۹- علی‌نای مطلق، ایوب، شکوری، رضا و عینی‌فر، علیرضا. ۱۳۹۸. بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی آن، بر اساس ریشه‌شناسی واژه و آرای اندیشمندان حوزه‌ی معماری. صّفه ۲۹ (۸۷). ۳۹-۵۸.
- ۲۰- علی‌نای مطلق، ایوب، شکوری، رضا و عینی‌فر، رضا. ۱۳۹۹. تبیین مفهوم آستانگی در برهم‌کنش درون و بیرون محدوده‌ها در معماری. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۲۵ (۲). ۳۱-۴۲.
- ۲۱- غریب، فریدون. ۱۳۷۴. معابر تهران در دوره‌ی قاجاریه. مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، بم. تهران: میراث فرهنگی. جلد ۲.
- ۲۲- فلاح‌فر، سعید. ۱۳۸۴. پشت‌بام فضای فراموش‌شده‌ی معماری. مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، بم. تهران: رسانه پرداز: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. جلد ۱.
- ۲۳- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۸۹. گستره‌های معماری. تهران: نشر فضا.
- ۲۴- کاکایی، فاطمه و مضطرزاده، حامد. ۱۴۰۰. تبیین سیر تحول درون‌گرایی در ساختار ورودی خانه‌های ایران در دوره قاجار و دوره پهلوی اول (مطالعه موردی: شهر شیراز). معماری اقلیم گرم و خشک ۹ (۱۳). ۱۹۳-۱۷۵.
- ۲۵- کیانی، مصطفی. ۱۳۸۶. معماری دوره‌ی پهلوی اول، دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره‌ی بیست‌ساله معاصر ایران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲۶- مزینی، منوچهر. از زمان و معماری. تدوین رضا رضائی. تهران: شهیدی: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۲۷- معرفت، مینا. پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند در تهران پایتخت دوپست‌ساله (مجموعه مقالات) تألیف شهریار عدل و برنار اورکاد. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. سید احمد سیدی و فاطمه وثوقی خزائی. تدوین ناهید فروغان و فرزانه طاهری. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- ۲۸- نورایی، علی. ۲۰۱۳. فرهنگ ریشه‌ی واژگان فارسی. بی‌نا: نویسنده.
- ۲۹- یآوری، مینوش. ۱۳۷۵. پروانه ساختمان و ابتدال معماری مسکونی در تهران در تهران پایتخت دوپست‌ساله (مجموعه مقالات) تألیف شهریار عدل و برنار اورکاد. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، سید احمد سیدی و فاطمه وثوقی خزائی. تدوین ناهید فروغان و فرزانه طاهری. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- ۳۰- یزدیان، محسن. ۱۳۹۰. بررسی ویژگی‌های معماری ورودی خانه‌های تهران (اواخر دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی اول). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معماری گرایش مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.
- 31-Cyril M. Harris.2000. Dictionary of Architecture & Construction. United States of America : McGraw-Hill.
- 32-Della, Summers. 2008. Longman dictionary of contemporary english. Italy : La Tipografica Varese.
- 33-Norberg-Schulz, Christian. 1985. The concept of dwelling: On the way to figurative architecture . New York : Rizzoli.
- Norberg-Schulz, Christian. Existence, Space & Architecture. Edited by Mary klig .New York : Praeger Publishers.
- 34-Smith, Catherine. 2011. The Space of Liminality and the Space of Architecture, Looking for Liminality in Architectural Space .Limen, Jornal for theory and practice of liminal phenomena. [http://limen.mi2.hr/limen1-2001/catherine\\_smith.html](http://limen.mi2.hr/limen1-2001/catherine_smith.html). Accessed 8 Dec. 2022.
- 35-Spring Repenning, Sara. 2003. An Architecture of Liminality Cincinnati : University of Cincinnati.
- 36-Szakolczai, Arpad. 2009. Liminality and Experience: Structuring transitory situations and transformative events. International Political Anthropology 1 (2). 141-172.
- 37-Thomassen, Björn.2009. The Uses and Meanings of Liminality . International Political Anthropology 1 (2). 5-27.
- 38-Troy Zimmerman, Patrick. 2008. Liminal Space in Architecture: Threshold and Transition -Knoxville : The University of Tennessee, Knoxville.
- 39-Turner, Victor.1969. Liminality and Communitas:Form and Attributes of Rites of Passage in The Ritual Process: Structure and Anti-structure. New York : Cornell University Press
- 40-Wolford, Rebecca. L. 2008. Wandweing in Dwelling Washington State University.